Wort des Tages لغتِ روز sowieso

written by مرتضی غلام نژاد | ژوئن 8, 2017

sowieso یک قید می باشد

auf jeden Fall; unabhängig von allen ≈

تقریبا به معنی در هر حالتی ، مستقل از همه چیز

البته می تواند معانی زیر را نیز به همراه داشته باشد :

به هر حال ، در هر صورت ، به هر جهت ، خواه ناخواه

”.Du brauchst dich nicht zu beeilen. Ich brauche die Sachen sowieso erst nächste Woche“

تو نیاز نیست که انقدر عجله کنی ، من آن چیزها را تازه هفته آینده نیاز دارم

نکته : Die Sache می تواند معانی زیر را نیز به همراه داشته باشد :

چیز ، اشیاء ، شیئ ، موضوع ، مورد ، امر ، قضیه ، مطالب ، کار ، قصد ، وظیفه ، محاکمه ، دعوا

Das sind meine Sachen

آنها وسایل یا اشیاء من هستند

Sie packte ihre Sachen zusammen

او وسایل یا اشیاء هایش را جمع و جور یا بسته بندی میکرد

In den Sachen kannst du unmöglich ins Theater gehen

تفکر آلمانی : در این چیزها (منظور لباس است) امکان نداره تو بتوانی در تئاتر برودی

تفکر فارسی :با این سر و شکل امکان نداره تو بتونی به تئاتر بروی

Die Sache ist wichtig, sehr eilig

آن موضوع ، آن قضیه یا آن مطلب خیلی مهم است ، خیلی عجله کن (سریع باش)

اصطلاح :

Zur Sache gehen

سر اصل مطلب رفتن ، به موضوع اصلی برگشتن

Jemanden in einer Sache vertreten

وکالت کسی را در یک کاری بر عهده گرفتن

نکته : فعل vertreten که به معانی زیر است :

جانشین شدن , دفاع کردن , وکالت کسی را برعهده گرفتن ، نماینده شدن ، نمایندگی کسی را پذیرفتن و ...

در تفکر آلمانی ذات Akkusativ ساز دارد یعنی اسم بعد جمله را به حالت Akkusativ می برد اما همین فعل در تفکر فارسی هم می تواند ذات Akkusativ داشته باشد هم Dativ به زبان ساده تر ما در فارسی می توانیم : وکالت کسی را بر عهده بگیریم (Akkusativ) و یا اینکه از کسی دفاع کنیم (Dativ)

پس در مثال زیر می توانیم دو دیدگاه متفاوت نسبت به ترجمه آن داشته باشیم

Jemanden in einer Sache vertreten

وکالت کسی را در یک کاری بر عهده گرفتن (Akkusativ)

از کسی در یک موضوعی دفاع کردن (Dativ)

In einer Sache als Zeuge aussagen

در یک موضوعی به عنوان شاهد شهادت دادن

اما اجازه بدید در پایان به موضوع اصلی درس یعنی قید sowieso بر گردیم

دقت کرده اید که در فارسی مثلا می گوییم : تو نیاز نیست اینرا بگویی ، او خودش به هر حال آن موضوع را میفهمد.

یا اینکه می گوییم : تو نیاز نیست اینرا بگویی ، او این موضوع را در هر صورت میداند

کاربرد sowieso در جملات آلمانی نیز دقیقا به همین شکل است

چند مثال :

Das brauchst du ihm nicht zu sagen, das weiß er sowieso schon

تو نیاز نیست آنرا به او بگویی ، او به هر حال آنرا میداند

Du kannst es mir mitgeben, ich gehe sowieso dahin

تو می توانی آنرا به من بدهی تا با خودم ببرمش ، من به هر حال به آنجا میروم

نکته : فعل mitgeben به این معنی است که چیزی را به کسی بدهیم تا به همراه خودش ببرد.

Das versteht er sowieso nicht

در هر صورتی او اینرا یاد نمیگیرد یا متوجه نمی شود

Das macht nichts, ich hätte sowieso keine Zeit gehabt

تفکر آلمانی : عیبی ندارد ، به هر جهت من هیچ وقتی نداشته بودم

تفکر فارسی : اشکالی نداره ، به هر جهت من خودم هم وقت نداشتم

Sie gewinnt sowieso

او در هر حالتی پیروز می شود یا برنده می شود

Sie verliert sowieso

او در هر حالتی بازنده می شود یا شکست میخورد